

بگذارید فراموش نکنیم چه کسی هستیم، از کجا آمده‌ایم، به کجا خواهیم رفت

ما اکنون در دام افتاده‌ایم و فراموش کرده‌ایم که چه کسی هستیم، از کجا آمده‌ایم، به کجا خواهیم رفت

سرگردان و حیران بر روی زمین

بدون قطب‌نما در دست

در کوشش برای رسیدن

پس از یاد نبریم که در این دنیای فرومایه گرچه بازیگری برای نفسمان شده‌ایم

کور شده از حجاب غفلت و بی‌دقتی

در پوشش شهوات و بازی و آرزوهای خالی و تمام نشده

همه ما بر روی زمین قرار داده شده‌ایم تا بتوانیم به خاطر بیاوریم و به یاد آوریم

پس اجازه دهید تا از حسرت و نگرانی‌ها بگذریم
و بتوانیم به یاد داشته باشیم در هنگام انجام سفر
زندگی زمینی، چه کسی هستیم، از کجا آمده‌ایم،
به کجا خواهیم رفت...

ما تا زمانی که به گسترهی وجود مبداء خلقت و
آفرینشمان نرسیم به آرامش و عشق ابدی دست
پیدا نخواهیم کرد کلید اسرار تمامی قفل‌ها و
سرگردانی‌های زندگی دنیوی ما در واقع رسیدن و
بازگشت به خانه و فطرت و نقطه اول و اصلی ماست
متأسفانه جهان کنونی دائم الحال در هر حال تلاش
و کوشش است که از آبادی و شهر و مروارید نهفته
و اسرار آمیز خودش دور و دورتر بشود و به جریان
و تفکر خشونت، شهوت و طغیان و هیجانات بالا و
غیر قابل کنترل دست پیدا کند و نقطه آخر این
جریانات بدون تعلل عرض می‌نمایم نابودی و
هلاکت و حوادث مرگبارست

انسان با ابزار و وسائل گوناگون مادی و انواع خوراکی‌ها و لباس‌ها و لذات کاذب در پی فاصله گرفتن از نقطه مرکزی نور و خانه اصلی و محبت به اهل بیت عصمت و طهارت می‌باشد و تصور می‌کند هر چه از مبداء و محور ابدی و آرامش و عشق خودش دور و دورتر بشود به درجات بالا و کیفیت عالی و آرامش می‌رسد که این مسئله اساسا حماقت محض و جهنم و آتش درونی مخاطب و مقصود رو نشان می‌دهد ما تنها با رسیدن به خانه اول و شروعمان می‌توانیم به مراتب و درجات والا و شگفت‌انگیز برسیم و به لذت و شکوه و جلال و عشق بدون هیچ قید و شرطی دست پیدا کنیم مومنین متعلق به آسمان و شکل گرفته شده از نور بزرگ و پر قدرت عرش الهی هستند و ارواح و بعضا انسان‌هایی که در روی زمین هستند از آسمان و بهشت حق تعالی به سمت سوی زمین آمده‌اند و جهت گرفته‌اند

تا افراد را از باتلاق مادیات و رنج سرگرم کننده و غفلت‌نمای زمین برهانند و به نور و هدف کلی برسانند اینان از واقعیت و حقیقت دنیا با خبرند و دشمن طلب و اقسام گوناگون آن هستند و تنها در جهت کسب رضایت سرور و مولای حقیقی خویشند و اکثرا ناشناخته و گمنام می‌باشند و تلاش و کوشش بسیار می‌کنند تا هر گونه شده به خانه اصلی و سر منزلگاه حقیقی خود برسند و بازگردند آنانی که از آسمان و از درجات علین بهشت بر زمین پا گذاشته‌اند تهدید بسیار بزرگ و خطرناکی برای شیاطین و دسته‌های ارواح خبیثه به حساب می‌آیند و ابلیسیان شناخت بسیار کافی را از آنان دارند و قصد مطلق با ایجاد وسوسه و الهامات قوی به خدمتکاران انسیشان می‌کنند تا این افراد را از جامعه بیرون و طرد نمایند و هیچ خدماتی برای آنان حاصل نگردد و کاملاً محدود بشوند

تا مبدا مردم را به آن صراط مستقیمی که خداوند در قرآن ذکر فرموده دعوت و اجابت کنند و صدالبته شیاطین با نقشه و نیرنگ‌های ضعیفشان به بن بست می‌خوردند و چنین افرادی در آخر به رسالت خود پایان می‌دهند این افراد علاقه و توجه قلبی و خالصانه و بسیار ویژه‌ای به جلوگاه و اعماق روحانی و ملکوتی آسمان و سلسه مراتب خلقت و آفرینش و ابعاد بالاتر در هستی دارند و تمام ذکر و فکرشان رسیدن و پرواز نمودن در آسمان‌ها و عوالم بالا و عالی می‌باشد زندگی آنان غرق و همنشین جلوه‌های بزرگ و نشانه‌های رعب‌انگیز و اسرار آمیز خلقت و آفرینش خداوند تعالی و الائمه و الانبیاء و مرسلین است و سر پا سینه تا جایی که مرگ به جلوگاه جانیشان رسیده برای دست یافتن به هدف و مقصود ملکوتی و سماوی خود در انواع و اقسام حوزه‌ها زحمت می‌کشند و رنج‌ها و مشقت‌های فراوان تحمل می‌کنند

تا به نتیجه کامل و مشخص شده برسند آنان غرق
تعالیم الهی و گنجینه‌های دانش پروردگارشان
می‌باشند و در حالی که افراد دیگر و غرق شده در
مادیات و لذات کاذب زمین وحشت می‌کنند و
می‌ترسند از آن بسیار لذت می‌برند و تمام وسعت
و گستره‌ی مبارک حیات‌شان را در بر می‌گیرد
تعدادشان بسیار اندک و حتی انگشت شمار است
و تنها خداوند آنان را به صورت جامع و کامل
می‌شناسد و تا مقطعه مشخصی هویت آنان را برای
جامعه مخفی و نامشخص می‌دارد اما آنان علاقه‌ای
به دیده شدن و جلب توجه دیگران ندارند و تنها
ذکرشان رسیدن و رفتن و پیمودن مسیر رویایی
موهبت‌های آسمانی و بزرگ آفرینش الله است و تا
محدوده‌ی مشخص و کافی دنباله‌روی مسائل و
مطالب و نقاط مختلف زندگی زمینی و دنیا هستند
و می‌دانند تمام دنیا حاشیه و جاده خاکی است

و بر اساس این منطق و استدلال سرعت بسیاری
بالایی در جهت پیمودن برای رسیدن به نور تعالی
می‌باشند و از هر بت و خدایان ساخته شده
می‌گذرند و از تمام موانع از جمله شهوات و
خواسته‌های نفسانی را با زیرکی رد می‌کنند و به
مقصد و وعده بزرگ و ابدی و جاودان می‌رسند...

من هزاران جاده‌ی خالی را پیمودم
در جستجوی نشانه‌های که مرا به خانه بازگرداند
با هر نفسم نام تو را بردم
و آن را در حال چرخیدن در میان امواج شنیدم
خیال را از واقعیت تشخیص دادم
گفتی به سوی من بیا و من تو را خواهم یافت
مرا صدا بزن و به تو نشان خواهم داد
از اعماق وجود تو
مرا به سوی سرچشمه‌ی درونم خواندی
جایی که هر لایه‌ای بار دیگر آشکار کرد
رازی درخشان تر از قبل
و در قلبم فقط یک چیز قرار داشت
ریشه‌ی همه‌ی آنچه شده بودم